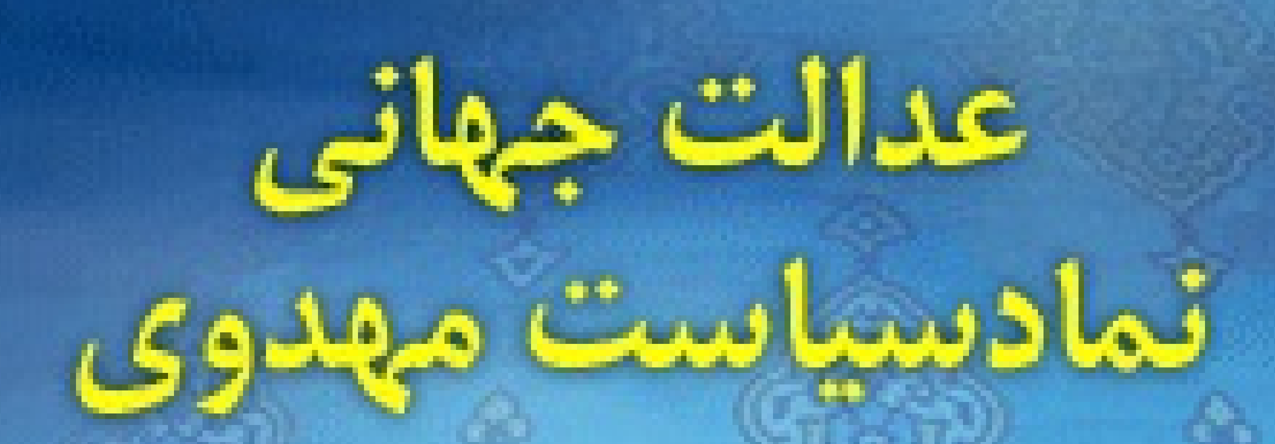


سیدمحمد کاظم طباطبایی


بسم الله الرحمن الرحیم

عدالت جهانی نماد سیاست مهدوی

نویسنده:

سید محمد کاظم طباطبایی یزدی

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیهالسلام

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

عدالت جهانی نماد سیاست مهدوی

مشخصات کتاب

نویسنده : سید محمد کاظم طباطبایی

ناشر: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود

اشاره

شایـد شـیرینترین میوه انقلاب عالم گیر امام مهـدی (عـج) عدالت باشد؛ آن هم عدالتی که مانند سرما و گرما تا اعماق خانهها نفوذ می‌کنـد.به راستی، عـدالت مهدوی چگونه است و از نظر جغرافیایی، چه محدودهای را شامل میشود؟ آیا فاصلـه طبقاتی بین افراد را از میان برمیدارد؟ آیا به رفع اختلاف فاحش بین فقیر و غنی میانجامد؟...همه این موارد، پرسشـهایی است که در این نوشـتار، پاسـخ آن را میخوانیم.

مقدمه

روایت مشـهور «یملأـ الاـرض قسطاً و عـدلاً کمـا ملئت ظلمـاً و جورا» ویژگی حکومت مهـدوی را در دو محور اساسـی بیـان کرده است.۱. گستره جهانی۲. عـدالتهر دو ویژگی در روایـات فراوان دیگری نیز مورد اشاره قرار گرفته است.درباره جهان‌شـمولی قیام و انقلاب امام مهدی (ع) بسیار سـخن گفته شده است، ولی سیاست‌های امام مهدی (ع) و به خصوص عدالت مهدوی که نماد اصلی انقلاب امام مهدی (ع) است، کمتر مورد بحث و کاوش قرار گرفته است.عدالت، اساسی‌ترین، استوارترین، بنیادی‌ترین و شامل‌ترین عنوان در مبانی سیاسـی امام مهـدی (ع) است. از این منظر، عـدالت مهـدوی تنها با عـدالت علوی قابل مقایسه است. نام مقدس امام علی (ع) چنـان بـا عـدالت در آمیخته که علی (ع) عـدالت را تـداعی می‌کنـد و عـدالت علی را (اگرچه گستره منطقه حکومتی امـام مهـدی (ع) بسـی فراتر از محـدوده حکومت امام علی (ع) است).بررسـی عدالت مهدوی، بدون گذار از عدالت علوی، بحث کاملی نخواهد بود. همان گونه که بحث از مبانی سیاسی امام علی و امام مهدی (ع) بدون آشنایی با اصول و مبانی سیاسی اسلام و معارف حـاکم بر تمـامی جلوه‌هـای فکری و عملی اسـلام ممکن نیست. چه، هر دو بزرگـوار در صـدد پی ریزی حکومـتی الهی و منطبـق بر قواعـد و مبـانی اسـلامی بودنـد تا زمینه‌ساز حرکت و تکامل مردمان باشـند.اکنون با نگاهی گـذرا به بحث عـدالت و جایگاه آن در انقلاـب امـام مهـدی (ع)، در صـدد آن هسـتیم تـا این ویژگی و نمـاد حکومت مهـدوی را بر فراز آوریم و زمینه‌هـا و جوانب آن را بررسـی کنیم. باشد که با تلاش در راه گسترش عدالت در جامعه محدود خود (اداره خانواده، شهر و کشور اسلامی و زندگی فردی و اجتماعی خود) را به امام مهدی (ع) پیوند داده و بکوشیم با اهداف ایشان هماهنگ شویم.

عدالت ورزی در قرآن

عـدالت از زیباترین واژه‌هاست که در نظام خلقت و در دین و شـریعت مورد توجه تمام قرار گرفته و به آن توصـیه شـده است.آیات فراوانی از قرآن به عـدالت خواهی، عـدالت‌ورزی و عدالت‌جویی تأکید کرده‌اند و عدالت در نظام هستی را به عنوان محور و اساس و رکن معرفی کرده‌انـد.(أُمِرْتُ لِأَعْـدِلَ بَیْنَکُمُ) (شوری: ۱۵) (وَ إِذَا حَکَمْتُم بَینَ النَّاسِ أن تَحْکُمُـوا بِالْعَـدْلِ) (نسـاء : ۵۸) (إنَّ اللهَ یَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالإحْسَانِ) (نحل : ۹۰) (یا ایها الّذینَ ءامنُوا کُونُوا قَوَّامین للهِ شُـهَدآءَ بِالْقِسْطِ وَلایَجْرِمَنّکُمْ شَنَئَانُ قَوْمٍ عَلَی ألاتَعْدِلُوا اُعْدِلُوا هُوَ

أَقْرَبُ لِلتَّقْوی) (مائده : ۸) (یاأَیُّهَا الَّذِینَ ءَامَنُوا کُونُوا قوَّامِینَ بِالْقِسْطِ شُهَدَآءَ لِلهِ وَلَوْ عَلی أَنفُسِکُمْ) (نساء : ۱۳۵).عدالت‌ورزی و حاکم کردن عدالت، اگر چه مورد پذیرش همگان است، با وجود این، مورد تأکید شدید قرآنی نیز قرار گرفته است.

عدالت، هدف رسالت

در میان آیات مربوط به عدالت، آیه ۲۵ سوره حدید ارتباطی خاص با مبحث ما دارد. قرآن کریم در بیان اهداف ارسال پیامبران (ع)، قیام به قسط و گسترش عدالت در میان مردمان را هدف اصلی آنان بیان کرده است:(لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالبَیِّنَتِ وَ أَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْکِتَبَ وَالْمیزانَ لِیَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنزَلْنَا الْحَدیدَ فیهِ بَأْسُ شَدِیدٌوَ مَنَافِعُ لِلنّاسِ وَ لِیَعْلَمَ اللهُ مَن یَنصُرَهُ، وَ رُسُلَهُ بِالْغَیْبِ إِنَّ اللهَ قَوِیٌّ عَزِیزٌ) (حدید : ۲۵).توجه جزیی به آیه شریفه، نمایانگر چند نکته است:۱. «لام» در «لیقوم الناس بالقسط» «لام غایت» است و در صدد تبیین هدف و مقصود از ارسال پیامبران الهی است. بنابراین گسترش قسط و عدالت هدف اصلی و اولی پیامبران و دین است.۲. آیه مبارک سوره حدید «لیقوم الناس بالقسط» است، «لیقیم الناس بالقسط» و یا «لیقیم فی الناس القسط». اقامه قسط و برپا داشتن دادگری در میان مردم هدف مهم و والایی است که برای ما دست نایافتنی جلوه می‌کند. هدف انبیا (ع) بالاتر و والاتر از این غایت مقصود است. آنان وظیفه دارند به گونه‌ای مردم را بسازند که خود مردم به عدل و داد بپردازند، نه این‌که تنها حکومت برای آنان عدالت برپای دارد. بنابراین اشاره آیه به آن است که پیامبران آمده‌اند تا مردم را به گونه‌ای بسازند تا همه آنان دادگر و عدالت‌ورز باشند.۳. اشاره آیه به تفاوت میان فرهنگ و قانون است. ممکن است قانون عادلانه در جامعه‌ای وجود داشته باشد، ولی فرهنگ عدل و داد بر مردمان آن حاکم نباشد. وظیفه پیامبران (ع) برپایی جامعه‌ای عدالت‌محور به سبب رواج فرهنگ عدالت در آن است. این هدف بسی بالاتر و مهم‌تر از اجرای عدل و داد به وسیله حاکمان است.نکته‌امام مهدی (ع) تحقق بخش مقصود رسالت و اهداف پیامبران است. او می‌آید تا غایت و مقصود از رسالت پیامبران را سامان دهد. در دوران حکومت اوست که جامعه آرمانی پیامبران پا به عرصه وجود می‌گذارد و هدف از خلقت محقق می‌شود.بنابراین حال که «عدالت» و «جامعه عدالت محور» هدف اصلی از ارسال پیامبران است و امام مهدی (ع) نیز تحقق‌بخش اهداف رسالت است؛ پس لازم است امام مهدی (ع) جامعه‌ای مبتنی بر عدل و داد برپا کند تا این هدف پیامبران و دستور الهی تحقق پیدا کند.تصویر عدالت مهدوی در روایاتهدف اصلی این نوشتار، کاوش در روایاتی است که به عدالت در زمان امام مهدی (ع) پرداخته‌اند؛ روایاتی نسبتاً گسترده که هر یک زاویه خاصی از عدالت مهدوی را بازگو کرده، آرمان‌شهر اسلامی را تصویر نموده‌اند.مطالعه این احادیث و بازگویی گوشه‌هایی از مطالب اشاره شده در آن‌ها به تبیین دقیق جامعه مهدوی یاری می‌رساند.۱. یملأ الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراًاین روایت از روایات بسیار مشهور در توصیف جامعه مهدوی است. نقل‌های گوناگون آن از پیامبر (ص) در کتاب‌های سنیان و مصادر حدیثی شیعی آمده است.جالب این‌که این متن از معدود احادیثی است که تمامی چهارده معصوم (ع) آن را بیان کرده و بر فراز آورده‌اند. گزارش مفصل از تک تک روایات معصومان (ع) در وسع این نوشتار نیست؛ ولی مراجعه اجمالی به کتاب کمال الدین و کتاب معجم احادیث الامام المهدی (ع) این ادعا را اثبات می‌کند.مصادر حدیثی فراوان سنی و شیعه این روایت را ذکر کرده‌اند. مهم این‌که بسیاری از کتاب‌های شیعی این متن را از طریق سنیان و با سلسله روات مشهور آنان از پیامبر (ص) نقل کرده‌اند.در اینجا و به عنوان نمونه، نام چهل کتاب را که از مصادر کهن شیعی و سنی هستند و تا قرن پنجم تألیف شده‌اند، به عنوان مصادر قدیمی بیان می‌کنیم. [۱] .

بررسی اسناد گزارش‌های سنیان

متن سنن ابی داود به نقل از ابوسعید خدری معتبر است. اعتبار و حسن طریق آن در برخی مصادر حدیثی سنی تأیید شده است. [۲]

.همچنین متن مسند احمد معتبر و حسن شمرده شده است. [۳] .نقل امام علی (ع) از پیامبر (ص) که در سنن ابی داود (۴: ۱۰۷) و مسند احمد (۱: ۹۹) نقل شده نیز صحیح است. [۴] .گزارش عبدالله بن مسعود از پیامبر (ص) که در سنن ابی داود و دیگر کتاب‌های حدیثی نقل شده است [۵] نیز صحیح یا حسن شمرده شده است. [۶] .چند گزارش معتبر دیگر از این سخن نیز وجود دارد. [۷] .این متن از ۱۸ تن از اصحاب پیامبر (ص) گزارش شده است:۱. امام علی (ع)، ۲. امام حسن (ع)، ۳. امام حسین (ع)، ۴. ابوسعید خدری (از او بیشترین تعداد روایت معتبر در کتب سنیان نقل شده است)، ۵. عبدالله بن مسعود، ۶. ابو هریره، ۷. عباس بن عبدالمطلب، ۸. عبدالله بن عباس، ۹. عبدالله بن عمر، ۱۰. عبدالله الصدفی، ۱۱. حذیفه بن یمان، ۱۲. علی الهلالی، ۱۳. جابر بن عبدالله انصاری، ۱۴، سلمان فارسی، ۱۵. عبدالرحمن بن عوف، ۱۶. عمار بن یاسر، ۱۷. ابوطفیل، ۱۸. تمیم الداری. [۸] .با توجه به تنوع و گونه‌گونی افراد گزارش کننده، متن حدیث را می‌توان متواتر شمرد؛ چرا که توافق بر کذب میان این افراد ممکن نیست.علاوه بر این، برخی از متون شیعه و سنی معتبر بوده و صحیح یا حسن و یا موثق شمرده شده‌اند:

اسناد متن در مصادر شیعی

گزارش‌های شیعی «یملأ الارض قسطاً و عدلاً» نیز متعدد هستند که برخی از آن‌ها معتبر (حسن یا صحیح) هستند.متن منقول از امام کاظم (ع) سندی این‌گونه دارد:«احمد بن زیاد بن جعفر الهمدانی (ره) قال حدیثاً علی بن ابراهیم بن هاشم عن ابیه عن ابی احمد محمد بین زیاد الازدی». [۹] .این سند معتبر است و با اختلاف نظر درباره ابراهیم بن هاشم، حسن یا صحیح شمرده می‌شود. متن نقل شده از امام رضا (ع) نیز وضعیتی این‌گونه دارد.یعنی به اعتبار ابراهیم بن هاشم می‌بایست صحیح یا حسن شمرده شود.سند این متن همانند قبل است. تنها اختلاف در راوی اول است؛ یعنی ریان بن صلت به جای احمد بن زیاد آمده است. [۱۰] .برخی گزارش‌های دیگر نیز تا حدودی مورد قبول هستند.مثلاً گزارش اصبغ بن نباته از امام علی (ع) با دو سند به ما رسیده است. سند شیخ صدوق در کتاب غیبت مشتمل بر افرادی است که همه آن‌ها به استثنای مالک جهنی مورد اطمینان هستند.مالک بن اعین جهنی نیز فی الجمله ممدوح بوده و تضعیف هم ندارد.بنابراین می‌توان آن را حسن شمرد (و یا به جهت حسن بن علی بن فضال آن را موثق دانست). [۱۱] .اعتماد بر گزارش احمد بن اسحاق از امام عسکری (ع) و گزارش جناب عبدالعظیم حسنی از امام هادی (ع) نیز منوط به مبنای رجالی افراد است. در گزارش اول، [۱۲] تنها علی بن عبدالله وراث توثیق صریح ندارد. او استاد شیخ صدوق بوده و مورد ترضی او واقع شده است.در گزارش، از امام هادی (ع) [۱۳] نیز محمد بن احمد شیبانی وجود دارد که وضعیتی همانند علی بن عبدالله وراق دارد. در این سند، سهل بن زیاد نیز وجود دارد که بسیاری از متأخرین احادیث او را پذیرفته‌اند.نکاتی درباره روایت یملأ الارض...

جهانی سرشار از عدالت

اشاره

نوید جهانی سرشار از عدالت، مهم‌ترین وعده‌ای است که درباره حکومت مهدوی بیان شده است. عدالت روح جامعه است و فراگیری عدالت و سرشاری و سرریزی آن در جامعه بهترین و مهم‌ترین دلیل برای انتظار ظهور است.این نوید از دو منظر قابل بررسی است:

گستره جغرافیایی

عـدالت مهـدوی فراگیر است و تمامی زمین را در برمی‌گیرد. از این منظر، جامعه مهدوی قابل قیاس با هیچ جامعه‌ای نیست؛ چرا که تصـور حکومـتی این‌چنیـن فراگیر نیز در ذهـن کسـی نمی‌گنجـد. حتی حکـومت و خلافـت پیـامبر اکرم (ص) و امـام علی (ع) نیز گستره‌ای این چنین وسیع نداشته‌اند. عدالت‌محوری در تمامی زمین تنها با نام امام مهدی (ع) آمیخته است.

شمول و شیوع عدالت

«ملئت قسطاً و عـدلاً» اشـاره به سـرشاری جـامعه از موهبت عـدالت دارد. دیگر تنهـا عـدالت اقتصـادی یا اجتماعی مورد نظر نیست؛ عـدالت اداری و قضـایی و فرهنگی نیز جزیی از آن است. این حـدیث حتی بیش از اقـامه عـدل از ناحیه حکومت و امام (ع) را بیان می‌کند. «ملأ» دلالت بر کمال و مساوات دارد. مقصود از مملو آن است که ظرف و مظروف با هم برابر گشته‌اند و هیچ فضای خالی در ظرف بـاقی نمانـده است. [۱۴] .پس مقصـود از پراکنـدن و پر کردن عـدالت در جـامعه آن اسـت کـه عـدالت در تمـامی اجزا و لایه‌های جامعه ریشه دوانـده و به فرهنگ عدالت در میان مردمان تبدیل شده است.۲. رسول الله (ص): هو إمام تقی نقی بار مرضـی هاد مهدی أول العدل و آخره یصدق الله عز و جل و یصدقه الله فی قوله. [۱۵] .

مبدأ و منتهای عدالت

عـدالت امام مهـدی (ع) قابل قیاس با موارد دیگر عـدالت‌ورزی نیست. بـدین سـبب، سیره ایشان را «اول العدل و آخره» خوانده‌اند؛ یعنی روشـی که نه پیش از حضـرت کسی قادر به انجام آن بوده است و نه امکان عدالتی برتر و کامل‌تر از آن وجود دارد.۳. رسول الله (ص): یبعث الله رجلاـ من عترتی، فیملأـ به الاـرض قسـطاً و عـدلا کمـا ملئت ظلمـا و جورا یرضـی عنه ساکن المسوات والارض، لاتدع السماء من قطرها شیئا الا صبته مرارا ولاتدع الارض من نباتها شیئا الا اخرجته، حتی یتمنی الاحیاء للاموات. [۱۶] .

رضایت عمومی

فطرت انسـانی عـدالت‌دوست و عـدالت‌خواه اسـت و حـتی کـودکی که هنـوز قواعـد بـازی در اجتمـاع را فرا نگرفته است، از ظلم و جوری که بر او شده برمی‌آشوبد و به آن اعتراض می‌کند.برخی اندیشمندان غربی ـ و از جمله نیچه ـ عدالت را اختراع افراد بدبخت و بیچاره‌ای می‌داننـد که چون چنگال ندارنـد تا به روی دیگران بکشـند، دم از عـدالت‌خواهی می‌زنند. [۱۷] .نظر نیچه مـوارد نقض فراوانی دارد. کسانی که در اوج قـدرت، عـدالت‌محور بوده‌انـد. جامعه مهـدوی نمونه کامل این افراد را نشان می‌دهـد.۴. رسول الله (ص): یخرج عنـد کثره اختلاـف النـاس و زلاـزل، فیملاها عـدلا و قسـطا کما ملئت ظلما و جورا، یرضـی به ساکن السـماء، و ساکن الارض، و یقسم المال قسـمه صـحاحا. [۱۸] .۵. رسول الله (ص): أبشـرکم بالمهـدی یبعث فی أمتی علی اختلاـف من النـاس و زلزال یملاـ الاـرض عـدلا و قسـطا کما ملئت جورا و ظلما، یرضـی عنه ساکن السـماء و ساکن الارض. [۱۹] .۶. رسول الله (ص): ابشـرکم بالمهدی یبعث فی امتی علی اختلاف من الناس و زلازل فیملا الارض قسـطا و عدلا کما ملئت جورا و ظلما یرضی عنه ساکن السماء و سـاکن الاـرض یقسم المـال صـحاحا فقـال له رجل ما صـحاحا قال بالسویه بین الناس قال و یملا الله قلوب أمه محمـد (ص) غنی و یسـعهم عـدله حتی یأمر منادیا فینادی فیقول من له فی مال حاجه فما یقوم من الناس الا رجل فیقول ائت السـدان یعنی الخازن فقل له ان المهـدی یـأمرک أن تعطینی مالاـ فیقول له احث حتی إذا جعله فی حجره و أبرزه نـدم فیقول کنت أجشع أمه محمـد نفسا أو عجز عنی ما وسـعهم قال فیرده فلا یقبل منه فیقال له انا لانأخذ شیئاً أعطیناه. [۲۰] .۷. الامام الصادق (ع): لما اسری بالنبی (ص) الی السماء قیل له: ـ لوصف القائم (ع) ـ یملأ الارض بالعدل و یطبقها بالقسط. [۲۱] .۸. الامام علی (ع): الا و فی غد ـ و سیأتی غد بما لاتعرفون ـ یأخـذ الوالی من غیرها عمالها علی مساوی أعمالها و تخرج له الارض أفالیـذ کبـدها، و تلقی إلیه سـلما مقالیـدها، فیریکم کیف عدل

السیره و یحیی میت الکتاب والسنه. [۲۲] .۹. الامام علی (ع): اعلموا علما یقینا أن الذی یستقبل قائمنا من أمر جاهلیتکم... لینزعن عنکم قضاه السوء، و لیقبضن عنکم المراضین، و لیعزلن عنکم امراء الجور و لیطهرن الارض من کل غاش، و لیعملن بالعدل، و لیقومن فیکم بالقسطاس المستقیم، و لیتمنین أحیاؤکم رجعه الکره عما قلیل فتعیشوا إذن فان ذلک کائن. [۲۳] .

عدالت اجتماعی، قضایی و اداری

امام (ع) کارگزاران نااهل قضایی را بر کنار می‌کند و آنان که سیرت پسندیده دارند بر کار می‌گمارد.سیره مدیریتی حضرت در برکناری عمال اداری ـ امراء الجور ـ همانند سیره امام علی (ع) در برکناری کسانی است که با مردم عدالت نمی‌ورزیدند.در جامعه مهدی، هیچ نیرنگ‌بازی وجود نخواهد داشت و سیره او عمل بر مدار عدل و قوانین عادلانه خواهد بود.عدالت ـ آرزوی همیشگی انسان ها ـ آن‌گاه که بر صدر نشیند و ارج بیند، طبیعی است که مردگان نیز آرزوی بازگشت به آن دیار را داشته باشند.۱۰. الامام علی (ع): ان الله تبارک و تعالی لن یذهب بالدنیا حتی یقوم منا القائم. یقتل مبغضینا و لایقبل الجزیه و یکسر الصلیب و الاصنام و یضع الحرب أوزارها و یدعو إلی أخذ المال فیقسمه بالسویه و یعدل فی الرعیه. [۲۴] .۱۱. الامام علی (ع): التاسع من ولدک یا حسین هو القائم بالحق المظهر للدین والباسط للعدل. [۲۵] .یکی از اوصاف امام زمان (ع) «بسط‌دهنده عدالت است. حضرت نه‌تنها خود عدالت می‌ورزد، بلکه می‌کوشد تا فرهنگ عدالت در میان مردمان را گسترش دهد.۱۲. الامام الحسین (ع): یا بشر بن غالب، من أحبنا لایحبنا الا الله، جئنا نحن و هو کهاتین، و قدر بین سبابتیه، و من أحبنا لایحبنا الا للدنیا فانه إذا قام قائم العدل وسع عدله البر والفاجر. [۲۶] .

گستره عدالت

یکی از نکات جالب مورد اشاره در این روایت و روایت بعد، گستره عدالت مهدوی است. عدالت به عنوان یک حق عام، شامل همه افراد انسانی است و فقیر و غنی، کوچک و بزرگ، زن و مرد و حتی خوب و بد نمی‌شناسد. ممکن است شخصی فاجر باشد و با عصیان اوامر الهی خود را مستحق دوزخ و عذاب نماید. انجام افعال ناشایست و فسق و فجور، اگرچه باعث دوری او از رحمت الهی می‌گردد، حق او را در برخوردار بودن از عدالت سلب نمی‌کند. بدین جهت در توصیف شمول عدالت مهدوی آمده است:یعدل فی خلق الرحمن، البرّ منهم والفاجر [۲۷] .این فقره از روایت، یادآور عدالت علوی است که حتی شامل دشمنان او هم گشته است. عبیدالله بن حر جعفی از شجاعان کوفه بود که از حکومت امام علی (ع) گریخت و به معاویه ملحق شد و حتی در لشکرکشی معاویه در مقابل امام علی (ع) جنگید.او آن‌گاه که شنید خانواده همسرش از غیبت و بدنامی او استفاده کرده و طلاق همسر او را گرفته و با دیگری کابین ازدواج بسته‌اند، به کوفه آمد و خدمت امام علی (ع) رسید و ماجرا را بازگفت. امام علی (ع) بدکرداری‌های او را گوشزد نمود و اعمال پیشین او را نکوهش کرد. عبدالله که به شقاوت خود معترف بود گفت: أیمنعنی ذلک من عدلک؟ آیا اعمال ناشایست من، من را از شمول عدالت علوی خارج می‌کند؟ امام (ع) جواب منفی داد و حق وی را به او بازگردانید. عبدالله پس از برخورداری از عدالت امام علی (ع) دوباره به شام برگشت و به معاویه ملحق شد. [۲۸] .۱۳. الامام الباقر (ع): إذا قام قائمنا فإنه یقسم بالسویه و یعدل فی خلق الرحمان، البر منهم والفاجر. [۲۹] .در این متن ـ و برخی متون دیگر ـ عدالت در کنار مساوات مورد اشاره و اعتنا قرار گرفته است. مقصود از مساوات در این متون این است که بیت‌المال که حق عمومی همه مسلمانان است باید به شکل مساوی در میان انان تقسیم شود. ویژگی‌های شخصی و اجتماعی و حتی سابقه مبارزاتی و مدیریتی سلب نخواهد شد که سهم بیشتری از بیت‌المال نصیب کسی شود.امام علی (ع) نیز این سان عمل کرده و بیت‌المال را به گونه مساوی میان همه افراد تقسیم می‌نمود و خود نیز سهمی برابر با غلام سیاه دون‌پایه تازه مسلمان می‌گرفت.البته این مساوات بدین معنا

نیست که ثروت همه افراد موجود در جامعه اسلامی یکسان باشد ـ همان گونه که برخی جامعه بی طبقه را فریاد می کردند ـ طبیعی است که در جامعه‌ای با اقتصاد سالم، هر فرد مطابق با فعالیت‌های فکری و علمی و تخصصی خود درآمد خاصی خواهد داشت که با درآمد اقشار و افراد دیگر متفاوت خواهد بود.بنابراین مقصود از مساوات در این روایت، و روایات مشابه، مساوات در برخورداری از امتیازها و درآمدهای عمومی جامعه است.(مثلاً فردی که در مرکز قدرت و ثروت زندگی می کند، سهمی برابر با فردی خواهد داشت که در دورترین نقطه جامعه اسلامی زیست می کند).۱۴. الامام الباقر (ع): إذا قام قائمنا اضمحلت القطائع فلا قطائع. [۳۰] .بررسی سندسند این متن صحیح است. در سند، تنها هارون بن مسلم و مسعده بن زیاد وجود دارند که هر دو امامی و ثقه هستند.

رفع امتیازات ویژه

«امتیاز ویژه» عنوانی است که احتمال انحراف در آن بسیار قوی است. چیزی که اکنون با عنوان «رانت‌خواری» از آن یاد می‌شود.طبیعی است که حکومت و قدرت، افراد نزدیک به خود یا باند و جناح مربوط به خود را صالح می‌پندارد و در صورت وجود امتیازهای ویژه، بیشتر آن را در میان افراد خود تقسیم می کند. سیاست اقتضا می کند مواردی به ظاهر مقبول هم انجام شود تا در هنگام بازخواست یا تبلیغات، آن موارد علم شده و از پاسخ گویی فرار شود.یکی از مصادیق برجسته عدالت مهدوی، برچیده شدن امتیازهای ویژه است. لغو این قانون در مجموع، سبب ایجاد عادلانه‌ترین نظام اجتماعی خواهد گردید.۱۵. محمد بن مسلم قال: سألت ابا جعفر (ع) عن القائم عجل الله فرجه إذا قام بای سیره یسیر فی الناس فقال: بسیره ما سار به رسول الله (ص) حتی یظهر الاسلام، قلت: و ما کانت سیره رسول الله (ص) قال: ابطل ما کان فی الجاهلیه و استقبل الناس بالعدل، و کذلک القائم (ع) إذا قام یبطل ما کان فی الهدنه مما کان فی ایدی الناس و یستقبل بهم العدل. [۳۱] .بررسی سندروایت فوق به دو طریق نقل شده است که هر دو معتبر هستند. یک طریق آن صحیح است و طریق دوم که شامل محمد بن عبدالله بن هلال می‌شود مورد اطمینان است؛ چون این شخص در معرض اتهام کیسانی بودن است.۱۶. الامام الباقر (ع): إذا قام القائم (ع) سار إلی الکوفه فهدم بها أربعه مساجد، فلم یبق مسجد علی وجه الارض له شرف إلا هدمها و جعلها جماء، و وسع الطریق الاعظم، و کسر کل جناح خارج فی الطریق، و أبطل الکنف والمازیب إلی الطرقات، ولایترک بدعه [۳۲] إلا أزالها ولا سنه إلا أقامها.۱۷. الامام الباقر (ع): إذا قام القائمه (ع) دخل الکوفه و أمر بهدم المساجد الاربعه حتی یبلغ أساسها و یصیرها عریشا کعریش موسی، و تکون المساجد کلها جماء لاشرف لها کما کانت علی عهد رسول الله (ص) و یوسع الطریق الاعظم فیصیر ستین ذراعا، و یهدم کل مسجد علی الطریق، و یسد کل کوه إلی الطریق، و کل جناح و کنیف و میزاب إلی الطریق. [۳۳] .بررسی سندسند این روایت تا علی بن ابی حمزه بطائنی صحیح است. با توجه به این که اخذ و نقل حدیث از علی بن ابی حمزه در دوران استقامت او و قبل از توقف در امامت امام رضا (ع) بوده، بنابراین روایت بالا معتبر خواهد بود.۱۸. ابوحمزه: سألت أبا جعفر (ع) ما حق الامام علی الناس قال حقه علیهم أن یسمعوا له و یطیعوا. قلت: فما حقهم علیه؟ قال: یقسم بینهم بالسویه و یعدل فی الرعیه، فإذا کان ذلک فی الناس فلا یبالی من أخذ ههنا وههنا. [۳۴] .۱۹. الامام الصادق (ع): فی قوله تعالی (اعلموا أن الله یحیی الارض بعد موتها قد بینا لکم الایات لعلکم تعقلون أی یحییها الله بعدل القائم عند ظهوره بعد موتها بجور أئمه الضلال). [۳۵] .مردن و زنده شدن می‌توانند گونه‌های متفاوتی داشته باشد. زمین سرسبز و دایر حی است و زندگی دارد و زمین بایر و صحرا موات و مرده است و از زندگی تهی است. جامعه انسانی نیز این گونه است. جامعه انسانی شاداب و سرشار از حیات و زندگی جامعه‌ای است که عدالت بورزد. قسط و عدل در تمامی شریان‌های وجودیش جریان داشته باشد. قلب جامعه با طنین عدالت تپیده و از جور و ظلم بر حذر باشد. جامعه مرده نیز جامعه‌ای است که زیرتازیانه جور و ستم گرفتار آید. از عدالت بی بهره باشد و از درد ستم بر خود بپیچد.امام صادق (ع) در تفسیر آیه (أَنَّ اللهَ یُحْیِ الارْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا) [۳۶] یکی از والاترین مصادیق احیای زمین را بیان کرده و فرموده‌اند: جامعه انسانی که به سبب ظلم و جور سردمداران ستمگر از نفس

افتاده و به مرده‌ای تبـدیل گشـته است، پس از قیام حضـرت (ع) زنده می‌شود و از جای برمی‌خیزد.۲۰. الامام الصادق (ع): ما یکون هـذا الامـر حتی لا ـیبقی صـنف من الناس إلا و قـد ولوا علی الناس حتی لایقول قائل إنا لو ولینا لعـدلنا ثم یقوم القائم بالحق والعـدل. [۳۷] .بررسـی سندسـند این روایت معتبر است و به سـبب وجود احمـد بن محمد بن سـعید ـ که زیدی است ـ و علی بن الحسن ـ که فطحی است ـ موثقه خواهد بود.

شعار عدالت

عدالت واژه زیبایی است که هر فرد و گروه و صاحب نظریه سیاسـی آن را هدف اساسـی خود می‌شـمارد و شـعار سیاسی خود را با آن تنظیم می‌کنـد. از حکومت‌های سـلطنتی و اسـتبداد فردی گرفته تا مـدینه فاضـله دیگران، عـدالت اجتماعی را محور انـدیشه‌های خویش قلمـداد کرده‌انـد. دموکراسـی و لیبرال دموکراسـی امروزین نیز چنین ادعـایی دارد. حتی لشکرکشـی‌های غرب و به خاک و خون کشـیدن مسـلمانان مظلوم در کشورهای اسلامی نیز تحت این لواء تجزیه و تحلیل می‌گردد. ولی این همه شعار است و پوششی برای به قدرت رسیدن حزب یا فرد. تعریف عدالت در نزد همه اینان تعریفی نادرست و غیردقیق است. عدالت تنها در پرتو حکومت الهی امام عصـر پدیـد می‌آیـد. آن‌گاه که پس از تجربه شـدن انواع حکومت‌ها، بشـر بفهمد که تا کنون دنبال سـراب بوده است، به خود می‌آید و عدالت مهدوی را تجربه کرده و آن را لمس می‌کند.این زمان دیگر فرصت تبلیغات از تمامی نظریه‌ها و نظریه‌پردازان سلب می‌شـود؛ چون همه آن‌هـا قـدرت را زمـانی در دست داشـته و از گسـترش عـدالت در جـامعه عـاجز مانده‌انـد. در واقع، نظریه «عـدالت مهـدوی» تعبیری زیبـا از «پایـان تاریـخ» است. تنهـا تفاوت آن است که بر خلاف دیـدگاه متکبرانه و مغرورانه اندیشـمندان غربی که پایان تاریخ را به معنای به قدرت رسـیدن مسـتکبران می‌دانند، به عدالت ـ به عنوان تنها راه فراگیر ـ اشاره دارد و محور آن را بر عدالت مهدوی قرار داده است.۲۱. الامام الصادق (ع): أما والله لیدخلن علیهم عدله جوف بیوتهم کما یدخل الحر والقر. [۳۸] .

شریان عدالت در لایه‌های پنهان جامعه

یکی از زیبـاترین تعبیرهـا در بـاب گستره عـدالت مهـدوی دراین متن بیـان شـده است. «عـدالت» لایه‌های پیـدا و پنهان زیادی دارد. ممکن است در جـامعه‌ای قـوانین و مقررات عادلاـنه وضع و اجرا گردد، ولی در کوچه پس کوچه‌هـای شـهر، دور از نگـاه قـانون و مأمور بر کسـی جفا شود.ممکن است جو عمومی جامعه با عـدالت هماهنگ باشـد؛ ولی در اجتماع کوچک خانواده، بر زن و فرزند جفا رود.ظاهر این است که جامعه مهـدوی عدالتی فراتر از همه این‌ها دارد. عدالت فرهنگ زمانه گشـته و در تمامی لایه‌های پیدا و پنهان جامعه جریان یافته است. آن‌چنان که سـرما و گرما در دل هر کوی و خانه و از هر برزن و روزن نفوذ می‌کند، عدالت مهدوی هم در تمامی گوشه گوشه جامعه عطر می‌پراکند و چه زیباست جامعه‌ای این چنین.۲۲. عمار الساباطی قال: قلت لابی عبدالله (ع):... جعلت فـداک فمـا نتمنی إذا أن نکون من أصـحاب الامام القائم فی ظهور الحق و نحن الیوم فی إمامتک و طاعتک أفضل أعمالا من أعمال أصـحاب دوله الحق فقال: سـبحان الله: أما تحبون أن یظهر الله عزوجل الحق والعـدل فی البلاد، و یحسن حال عامه العباد. [۳۹] .بررسـی سـندافراد موجود در سند، معمولاً مورد اعتمادند. قاسم بن هشام اللؤلؤی ممدوح است. تنها می‌بایست درباره فرد اول سند ـ مظفر بن جعفر بن مظفر العلوی السـمرقندی ـ مطابق با مبنا عمل شود. او اسـتاد شـیخ صدوق است و ترضی او را هم دارد، ولی توثیق صریح ندارد. اگر این‌گونه اساتید صدوق (ره) مورد پذیرش قرار گیرند، متن معتبر است و الا مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد.

سایه سار عدل

ثواب و ارزش هر تکلیف بـا سـختی و آسانی آن سـنجیده می‌شود. هر مقـدار که بر سـختی کار افزوده شود، ارزش و قیمت بیشتری

خواهد یافت. بدین سبب، گفتار عمار ساباطی به امام صادق (ع) طبیعی و مطابق با سیره عقلایی جلوه می‌نماید. او می گوید: اگر ما در این دوران عسرت و سختی، ثوابی افزون بر یاوران امام مهدی (ع) و در زمانه او داریم، پس چرا آرزوی دولت او را داشته و خود را از این فیض عظیم محروم کنیم؟او بر باور منافع فردی مؤمنان و محاسبه جزای جزیلی که عبادت در زمانه او (زمان سختی و مشقت) داشته، سخنی صواب گفته است؛ ولی این سخن در برابر منافع اجتماعی و گستره حکومت عدل امام مهدی (ع) رنگ می‌بازد. امام صادق (ع) با رد اظهارات او می‌فرماید: آیا دوست ندارید که خداوند عزوجل حق و عدل را در گستره زمین ظاهر سازد و تمامی مردمان احوال نیکو داشته باشند؟ در واقع، جامعه مهدوی جامعه‌ای این گونه است. راه هدایت برای تمامی مردمان فراهم و حق و عدل بر همه‌جا سایه افکنده است و تمامی سرزمین‌ها از نعمت عدل بهره‌مندند.۲۳. الامام الصادق (ع): أول ما یظهر القائم من العدل أن ینادی منادیه أن یسلم صاحب النافله لصاحب الفریضه الحجر الاسود والطواف. [۴۰] .

برخی مصادیق عدالت

در روایات ما برخی مصادیق عدالت که برای مخاطبان معلوم و محسوس بوده ذکر شده و از آن‌ها به عنوان نمونه‌های عدالت مهدوی یاد شده است. نمونه‌هایی که همه اعتراف به عادلانه بودن آن دارند، ولی کمتر کسی آن‌ها را انجام می‌دهد.یکی از این موارد، تقدیم طواف واجب بر طواف مستحب و بازگذاردن فضای مسجد الحرام برای تسهیل انجام واجبات است.۲۴. الامام الکاظم (ع): إذا قام قائمنا (ع) قال: یا معشر الفرسان سیروا فی وسط الطریق، یا معشر الرجال سیروا علی جنبی الطریق فایما فارس أخذ علی جنبی الطریق فاصاب رجلا عیب الزمناه الدیه، و ایما رجل اخذ فی الطریق فأصابه عیب فلا دیه له. [۴۱] .

نمونه عدالت

از نمونه‌های ذکر شده و محسوس عدالت مهدوی، وضع قوانین عادلانه و اجرای دقیق آن است. قانون می‌بایست به گونه‌ای طراحی شود که حق هیچ کس ـ چه ضعیف و چه قوی ـ پای‌مال نشود. همان‌گونه که قدرتمندان حق ندارند بر محرومان و بی قدرتان جور روا دارند، ضعیفان نیز حق پای‌مال کردن حقوق قدرتمندان را ندارند.بنابراین قانون حرکت در مسیر پیاده و سواره‌رو، آن است که میانه مسیر در اختیار سوارگان و کناره‌های آن در اختیار پیادگان است. پس اگر پیاده‌ای مسیر وسط و میانه را برگزید و آسیبی دید دیه بر او تعلق نخواهد گرفت، چون از حق خویش تعدی کرده است.۲۵. الامام الرضا (ع): یطهر الله به الارض من کل جور، و یقدسها من کل ظلم، (و هو) الذی یشک الناس فی ولادته، و هو صاحب الغیبه قبل خروجه، فإذا خرج أشرقت الارض بنوره، و وضع میزان العدل بین الناس فلا یظلم أحداً. [۴۲] .معیاردر موارد مختلفی اشاره کردیم که امام مهدی (ع) نه‌تنها خود عادلانه حکم کرده و حکومت خود را عدالت‌محور تشکیل می‌دهد، بلکه علاوه بر آن، جامعه‌ای با فرهنگ عدالت پایه‌ریزی می کند. در این جامعه، عدالت معیار است و ملاک سنجش همه چیز. هر کس می‌باید خود را با معیار عدالت مهدوی بسنجد و راه صحیح و عادلانه را برگزیند. بنابراین ظلم از جامعه برچیده می‌شود و هیچ‌کس بر دیگری ظلم نخواهد کرد. این است جامعه مهدوی که مبتنی بر عدالت است.۲۶. یونس بن عبدالرحمن: أن الرضا (ع) کان یأمر بالدعاء لصحاب الامر بهذا:... اللهم اشعب به الصدع و ارتق به الفتق و أمت به الجور و أظهر به العدل وزین به طول بقائه الارض و ذیده بالنصر و انصره بالرعب... و بدل من حکمک حتی تعید دینک به وعلی یدیه جدیداً غضا محضا صحیحا لاعوج فیه و لابدعه معه و حتی تنیر بعدله ظلم الجور و تطفئ به نیران الکفر. [۴۳] .عدل موعود در دعای امام رضا (ع) برای صاحب الامر به گونه‌ای بسیار زیبا تصویر شده است. این دعا امید بخش و راهنماست. خدایا با قیام او ظلم و ستم را نابود ساز و بمیران و عدالت را ظاهر ساخته و بر فراز آور. با قیام او دین محض الهی را جلوه گر ساز که از هر کژی و بدعتی بر کنار و پاکیزه است. خدایا با نور عدالت او ظلمت‌های تو در توی ستمگران را برملا کن و آتش کفر را با حلاوت عدالت

او خاموش گردان.۲۷. أبو محمد الحسین بن أحمد المکتب قال: حدثنا أبو علی بن همام بهذا الدعاء، و ذکر أن الشیخ العمری قدس الله روحه أملاه علیه و أمره علیه و أمره أن یدعو به و هو الدعاء فی غیبه القائم (ع) اللهم... أصلح به ما بدل من حکمک، و غیر من سنتک حتی یعود دینک به و علی یدیه غضا جدیدا صحیحا لاعوج فیه و لابدعه معه حتی تطفی بعدله نیران الکافرین... اللهم فافرج ذلک بفتح منک تعجله، و نصر منک تعزه، و إمام عدل تظهره إله الحق رب العالمین. اللهم إنا نسألک أن تأذن لولیک فی إظهار عدلک فی عبادک... و أقم به الحدود المعطله والاحکام المهمله حتی لایبقی حق إلا ظهر، و لا عدل إلا زهر. [۴۴] .بررسی سنددر این سند، تنها نام ۳ نفر آمده است: شیخ عمری که از نواب ویژه است و از معصوم (ع) توثیق صریح دارد. ابو علی بن همام نیز محمد بن ابی بکر است که توثیق شده است.بنابراین صحت طریق آن بستگی به مبانی در توثیق حسین بن احمد المکتب دارد. اگر توثیق اساتید شیخ صدوق پذیرفته شود، طبیعتاً این متن نیز پذیرفته خواهد بود.

امام عدل

یکی از القاب امام مهدی (ع) عدل است؛ چرا که او نماد عدل و داد و مظهر و مظهر آن است. امام (ع) را العدل المنتظر خوانده‌اند [۴۵] که اشاره به موعود و دلیل انتظار است.در این دعا نیز امام (ع) «امام عدل» خوانده شده است که اشاره به جایگاه عدالت در حکومت مهدوی است.بسیاری از مصادیق عدالت، هنوز روی در نقاب دارد و شکوفا نگشته است. امام مهدی (ع) شکوفا کننده عدل و بر فراز آورنده آن است. در زمان اوست که حقیقت به طور کامل ظاهر می‌گردد و عدالت به گونه تام شکوفا می‌شود.

نگاهی اجمالی به اسناد روایات

مجموع روایات ذکر شده از محتوای سلیم و مطابق با قواعد و مبانی شرعی بهره‌مندند و اطمینان نسبی به آن‌ها وجود دارد. این متون با هدف قیام و انقلاب امام مهدی (ع) و آموزه‌های قرآنی در ارسال رسل و پایان عدالت‌گون جامعه نیز هماهنگ است.از جهت سندی نیز برخی از این متون از سند صحیح و موثق و حسن ـ یعنی اسناد معتبر ـ برخوردار بودند که در ذیل هر متن معتبر، به اعتبار آن اشاره کردیم.روایت اول مستفیض ـ و در حد تواتر ـ بود و اسناد متفاوت معتبر شیعی و سنی نیز داشت.روایت چهاردهم که از قرب الاسناد نقل شده بود نیز سندی صحیح داشت.روایت پانزدهم محمد بن مسلم از امام باقر نیز دو سند معتبر دارد که یکی صحیح و دیگری موثق است.روایت هفدهم نیز سند قابل قبول دارد. چون همه افراد سند، غیر از علی بن ابی حمزه، امامی و ثقه هستند. با توجه به نقل شدن روایت از این شخص پس از انحراف او، این سند نیز معتبر خواهد بود.روایت بیستم موثقه است؛ چون برخی افراد ثقه غیر امامی در آن وجود دارند.اعتبار روایات بیست و دوم و بیست و هفتم نیز وابسته به مبنای رجالی در قبول وثاقت اساتید شیخ صدوق است.با توجه به این مقدار از روایات معتبر، روایات دیگر نیز به عنوان مؤید و مجموعه روایات عدالت مهدوی پذیرفته خواهد بود.

خاتمه

اشاره

در پایان، به نکاتی در ارتباط با عدالت اقتصادی ـ که برای عموم جامعه ملموس‌تر و مفهوم‌تر است ـ معیار بودن عدالت و تعارض عدالت و مصلحت اشاره می‌کنیم.

عدالت اقتصادی

یکی از اندیشمندان معاصر، رابطه میان مال و انسان را به پنج شکل تصویر نموده و احکام مطابق آن را بیان کرده است:۱. مسکنت (هیچ نداشتن)این پدیده واجب الدفع فوری است و باید بی‌درنگ برچیده شود و به فرد مسکین امکانات لازم داده شود.۲. فقر (کمبود داشتن)آهنگ اقتصاد جامعه باید چنان باشد که اساساً فقر، امکان ظهور نیابد و اگر هم گریبان‌گیر کسی شد، برطرف گردد. جامعه ایده آل اسلامی جامعه‌ای منهای فقر است. [۴۶] .به این موضوع در عصر ظهور ـ عصر مدنیت قرآنی ـ نیز اشاره شده است که در آن فقیری که نیازمند زکات باشد، یافت نمی‌شود.۳. غنای کفافیبی‌نیازی و غنای ممدوح و مشروع در شریعت است که شخص اموال حلال و مشروع را به دست می‌آورد و صاحب آن می‌تواند انفاق کند و در کارهای عامه و سودمند به دیگران یاری رساند.۴. غنای وافرتراکم ثروت نزد افراد جامعه و احتکار اموال است که بی‌توجه به انفاق و بدون نظر به طبقات فرودست در جامعه جریان یافته است.۵. غنای تکاثرییعنی فراوان داشتن و فرواوان خواستن. افراط مال و حرص زدن در راه یافتن آن است که ویران‌گر عدالت و کرامت انسان است. [۴۷] .عدالت مهدوی در بعد اقتصادی اقتضا می‌کند که مسکنت به کلی برچیده شود و فقر نیز پایدار نماند. سخن امام باقر (ع) درباره اوضاع اقتصادی در زمان امام مهدی (ع) به این برچیده شدن اشاره دارد. می‌دانیم که یکی از شرایط گیرنده زکات، فقر است و امام (ع) می‌فرمایند که در زمان امام مهدی (ع) هیچ‌کس محتاج زکات نیست. [۴۸] پس فقیر ـ به معنایی که در استحقاق زکات مد نظر است ـ وجود ندارد و شرایط ابتدایی زندگی فراهم است.روایات مطلق دیگری نیز به این مطلب اشاره دارند که برپایی عدالت، سبب از میان رفتن فقر و مسکنت می‌شود و غنا ـ البته غنای کفافی ـ پدید می‌آید. امام صادق (ع) می‌فرماید: «ان الناس یستغنون اذا عدل بینهم». [۴۹] امام کاظم (ع) نیز فرموده‌اند: «لو عدل فی الناس لاستغنوا». [۵۰] .عدالت اقتصادی مصداق برجسته عدالت اشاره شده در روایات امام مهدی (ع) است. در بسیاری از آن‌ها، مساوات در تقسیم بیت‌المال با عدالت در همه جنبه‌ها در کنار هم ذکر شده و به عنوان مصداق اخص مورد اشاره قرار گرفته است.

عدالت و مصلحت

نگاهی به سیره علوی و شیوه حکومتی امام علی (ع) این نکته را شفاف می‌سازد که هیچ مصلحتی بالاتر از مصلحت اقامه عدل نیست. اصل عدالت اصل اساسی حاکم بر تمام قوانین و رفتارهاست و با هیچ چیز دیگر ـ از جمله مصلحت ـ سنجیده نمی‌شود. عدالت مهدوی معیار و ملاک حکومت و شاخص، نماد و سمبل سیاست مهدوی است.هر مصلحت که بر پایه عدالت بنا نشود، مصلحت نخواهد بود. هیچ امر نیکی بر پایه ظلم بنا نمی‌شود، حتی اگر فواید بسیار و بی شماری داشته باشد.با این مبنا، این سخن امام علی (ع) معنایی روشن می‌یابد و تعارف به شمار نمی‌رود که فرمود: والله لو اُعطیت الاقالیم السبعه بما تحت افلاکها علی أن اعصی الله فی نمله اسلبها جلب شعیره ما فعلته. [۵۱] .امام علی (ع) تمامی جهان را در مقابل ظلم کوچکی در حد گرفتن پوسته جو از دهان مورچه، ظلم می شمرد و آن را مردود می‌داند. بنابراین عدالت با تأویل و توجیه به مسلخ نمی‌رود و ذبح نمی‌شود و به بهانه مصلحت قربانی نمی گردد.

عدالت به مثابه معیار

«عدالت مهدوی» به عنوان معیار و ملاک می‌بایست مد نظر قرار گیرد. جامعه ما چه مقدار به جامعه مهدوی شباهت دارد؟ این پرسش با مقایسه عدالت در جامعه ما روشن می‌شود. قوانین حاکم بر جامعه نیز باید با معیار عدالت سنجیده شود و نسبت خود را با جامعه مهدوی به دست آورد. حتی علاقه و حب و بغض ما نیز با این میزان توزین می گردد.نمی‌توان به امام مهدی (ع) به عنوان سمبل عدالت عشق ورزید و در زندگی روزانه، در جامعه و در خانواده و حتی با نفس خویش عدالت نورزید.حتی روایات مربوط

به قیام و انقلاب امام مهدی (ع) هم با این معیار سنجیده می‌شود. انقلاب مهدوی از شائبه ظلم نیز به دور است. بنابراین اگر متنی از متون گزارش شده موهم ظلم و جور در انقلاب مهدوی باشد، آن متون می‌بایست مورد تأمل و دقتی دوباره قرار گیرند.به عنوان نمونه، متنی که در برخی از کتب آمده و اتهام قتل عام زنان باردار را در پی انقلاب امام مهدی (ع) مطرح کرده است، با این معیار ـ عدالت ـ همخوانی نداشته و مردود است. [۵۲] .این متن، اگرچه درباره بنی امیه و فاجرانی است که فسق و فجور زیادی مرتکب شده‌اند، ولی با روال حکومتی امام مهدی (ع) و مبانی سیاسی ایشان سازش ندارد و به این سبب پذیرفته نیست. [۵۳] .نکته‌گفتنی است که هر نبرد و جنگ و کشتار را نمی‌توان خلاف عدالت شمرد و ظلم نامید. طبیعی است که برپایی حکومتی با گستره جهانی و منطبق با قواعد الهی، مخالفانی خواهد داشت که می‌کوشند آن را از بین ببرند. بنابراین باید با آنان مبارزه و باطل را نابود کرد. در روایات مربوط به قیام و انقلاب امام مهدی (ع) متون این چنین فراوان آمده است. اما این نبردها و درگیری‌ها نباید منجر به ظلم و جور بر هیچ کس، حتی دشمنان، شود.

پاورقی

[۱] مصادر شیعی: الاصول السته عشر، ۱۵؛ الکافی، ۱: ۳۳۸ و ۳۴۱ و ۵۲۶؛ کامل الزیارات، ۵۴۹، من لایحضره الفقیه، ۴: ۱۷۷؛ علل الشرائع، ۱: ۹۸ و ۱۶۱؛ عیون أخبار الرضا (ع)، ۱ و ۲۹۷؛ الخصال، ۳۹۶؛ الامالی، ۷۸ و ۴۱۹؛ التوحید، ۸۱ و ۸۲؛ کمال الدین و تمام النعمه، ۱۳۹ و ۲۵۷ و ۲۵۸ و ۲۶۲؛ معانی الاخبار، ۱۲۴؛ کفایه الأثر، ۴ و ۶۰؛ روضه الواعظین، ۱۰۰ و ۲۵۵؛ کتاب سلیم بن قیس، ۱۸۴؛ المسترشد، ۶۱۴؛ دلائل الامامه، ۱۷۶ و ۳۶۸؛ کتاب الغیبه لنعمانی، ۶۱ و ۸۱؛ الفصول المختار، ۲۹۶ و ۲۹۷؛ الاعتقادات، ۹۵ و ۱۲۲؛ المزار، ۱۶۴؛ المسائل الجارودیه، ۱۱؛ رسائل فی الغیبه، ۲: ۱۲؛ الارشاد، ۲: ۳۴۰ و ۳۴۰؛ غیبه الشیخ الطوسی، ۱۸۰: ۱۴۰؛ الاختصاص، ۲۰۹؛ کنزالفوائد، ۱۱۳؛ الامالی للطوسی، ۲۹۲ و ۳۸۲ و ۵۰۱؛ الغیبه، ۴۲ و ۴۶؛ تفسیر العیاشی، ۱: ۱۵ و ۶۶ و ۲۵۴ و ۲۹۰؛ تفسیر القمی، ۲: ۴۵ و ۳۱۷؛ بشاره المصطفی، ۱۱۵. مصادر سنی: مسند احمد: ۱: ۹۹ و ۳: ۲۷ و ۲۸ و ۳۶. سنن أبی داود: ۲: ۳۰۹ و ۳۱۰ و ۳۱۱. سنن الترمذی ۴: ۵۰۵: ۲۲۳۱. المستدرک: ۴: ۴۴۲ و ۴۶۴ و ۴۶۵. المصنف لعبد الرزاق: ۱۱: ۳۷۲ و ۳۷۳. المصنف لابن ابی شیبه: ۸: ۶۷۸ و ۶۷۹. مسند أبی یعلی: ۲: ۲۷۵ و ۳۶۷. صحیح ابن حبان: ۱۵: ۲۳۶ و ۲۳۷ و ۲۳۸. المعجم الصغیر: ۲: ۱۴۸. المعجم الاوسط: ۲: ۱۵ و ۵۵. المعجم الکبیر: ۳: ۵۸ و ۱۰: ۱۳۳ و ۱۳۴. تاریخ بغداد: ۱: ۱۰۹ و ۳۸۷ و ۹: ۴۰۷ و ۴۷۸.

[۲] ابن القیم در کتاب المنار المنیف، ص ۱۴۴؛ ناصر الدین الالبانی در صحیح الجامع الصغیر، ج ۶، ص ۲۲، شماره ۶۶۱۲؛ همچنین مراجعه شود به المهدی المنتظر فی ضوء الاحادیث الصحیحه، ص ۱۷۴.

[۳] رجوع شود به المهدی المنتظر فی ضوء الاحادیث الصحیحه، ص ۱۷۶ ـ ۱۷۹.

[۴] همان، ص ۲۳۸.

[۵] سنن ابی داود، ج ۴، ص ۱۰۶؛ صحیح ابن حبان، ج ۸، ص ۹۳؛ مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۴۴۳ و...

[۶] ناصرالدین البانی در صحیح الجامع الصغیر، ج ۵. ص ۷۰ شماره ۵۱۸۰؛ مشکاه المصابیح، ج ۳، ص ۲۴، شماره ۵۴۵۲ همچنین مراجعه شود به المهدی المنتظر فی ضوء الاحادیث الصحیحه، ص ۲۷۸.

[۷] رجوع شود به کتاب المهدی المنتظر فی ضوء الاحادیث الصحیحه، ص ۲۹۷ ـ ۳۱۰ و ۳۱۲ ـ ۳۱۴.

[۸] این اسامی از جلد اول معجم احادیث امام مهدی (ع) استخراج شده است. طبیعی است که با جست‌جوی بیشتر، اسامی افزون‌تری به دست بیاید.

[۹] کمال الدین، ص ۳۶۸، شماره ۶.]

[۱۰] کمال الدین، ص ۳۷۶، شماره ۷.

[۱۱] الغیبه طوسی، ص ۳۳۶، شماره ۲۸۲.

[۱۲] سند روایت این گونه است: علی بن عبدالله الوراق قال حدثنا سعد بن عبدالله عن احمد بن اسحاق بن سعدالاشعری (کمال الدین، ص ۳۸۴، شماره ۱).

[۱۳] سند روایت این گونه است: محمد بن احمد الشیبانی (ره) قال حدثنا محمد بن ابی عبدالله الکوفی عن سهل بین زیاد الادمی عن عبدالعظیم الحسنی (کمال الدین، ص ۳۷۷، شماره ۲).

[۱۴] رجوع شود به: معجم مقاییس اللغه، ج ۵، ص ۳۴۶.

[۱۵] کمال الدین: صص ۲۶۴ ـ ۲۶۷، ح ۱۱.

[۱۶] العمده: ۴۳۶: ۹۱۸.

[۱۷] رجوع شود به: کتاب سیری در سیره ائمه اطهار، شهید مرتضی مطهری، ص ۲۶۱، که این گفتار را نقل و نقد کرده‌اند.

[۱۸] دلائل الامامه: ۴۷۱: ۴۶۳.

[۱۹] الغیبه للطوسی: ۱۷۸: ۱۳۶، بحارالانوار: ۵۱: ۷۴: ۲۳.

[۲۰] مسند احمد: ۳: ۳۷، کنزالعمال: ۱۴: ۲۶۱: ۳۸۶۵۳، دلائل الامامه: ۴۸۲: ۴۷۶.

[۲۱] کامل الزیارات: ۵۴۷: ۸۴۰: ۱۲.

[۲۲] نهج البلاغه: ۲: ۲۱: ۱۳۸.

[۲۳] بحارالنوار، ۵۱: ۱۲۰: ۲۳.

[۲۴] الخصال: ۱: ۵۷۸، بحارالانوار: ۳۱: ۴۴۳.

[۲۵] کمال الدین و تمام النعمه: ۳۰۴: ۱۶.

[۲۶] المحاسن: ۱: ۶۱: ۱۰۴، بحارالانوار، ۲۷: ۹۰: ۴۴.

[۲۷] علل الشرایع، ص ۱۶۱، ح ۳.

[۲۸] الکامل فی التاری، ج ۳، ص ۲۵.

[۲۹] علل الشرایع: ۱۶۱: ۳، شرح الاخبار: ۳: ۳۹۷: ۱۲۷۸، کتاب الغیبه للنعمانی: ۲۳۷: ۲۶، بحارالانوار: ۵۱: ۲۹: ۲ و ۵۲: ۳۵۰: ۱۰۳.

[۳۰] قرب الاسناد: ۸۰: ۲۶۰، بحارالانوار: ۵۲: ۳۰۹: ۱.

[۳۱] تهذیب الاحکام: ۶: ۱۵۴: ۲۷۰، بحارالانوار: ۵۲: ۳۸۱: ۱۹۲.

[۳۲] الارشاد: ۲: ۳۸۵، روضه الواعظین: ۲۶۴، اعلام الوری بأعلام الهدی: ۲: ۲۹۱، بحارالانوار: ۵۲: ۳۳۹: ۸۴.

[۳۳] الغیبه للطوسی: ۴۷۵: ۴۹۸، بحارالانوار: ۵۲: ۳۳۳: ۶۱.

[۳۴] الکافی: ۱: ۴۰۵: ۱، بحارالانوار: ۲۷: ۲۴۴: ۴.

[۳۵] کتاب الغیبه للنعمانی: ۲۴.

[۳۶] سوره حدید، آیه ۱۷.

[۳۷] کتاب الغیبه للنعمانی: ۲۷۴: ۵۳.

[۳۸] کتاب الغیبه للنعمانی: ۲۹۶: ۱.

[۳۹] کمال الدین و تمام النعمه: ۶۴۵: ۷.

[۴۰] الکافی: ۴: ۴۲۷: ۱، من لا یحضره الفقیه: ك ۲: ۵۲۵: ۳۱۳۲، بحارالانوار: ۵۲: ۳۷۴: ۱۶۹.

[۴۱] تهذیب الاحکام، ج ۱۰، ص ۳۱۴، ح ۱۶۹.

[۴۲] کمال الدین و تمام النعمه: ۳۷۱: ۵، کفایه الأثر: ۲۷۴، إعلام الوری بأعلام الهدی: ۲: ۲۴۱، بحارالانوار: ۵۲: ۳۲۱: ۲۹.

[۴۳] مصباح المتهجد: ۴۰۹: ۵۳۵.

[۴۴] کمال الدین و تمام النعمه: ۵۱۲: ۴۳.

[۴۵] تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۱۱۰؛ مصباح المتهجد، ص ۵۸۰.

[۴۶] به گفته امام علی (ع) «لایوجد فیه عائل و محتاج و لا یظلم فیه مسلم او معاهد» خلاصه گزارش شده برگرفته از نوشتار جناب آقای محمد اسفندیاری است در مجله بینات شماره ۳۷ و ۳۸، ص ۱۷۲ ـ ۱۷۳.

[۴۷] الحیاه، محمدرضا حکیمی، ج ۵ و ۶.

[۴۸] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰، ح ۲۱۲.

[۴۹] کافی، ج ۲، ص ۵۶۸.

[۵۰] کافی، ج ۱، ص ۵۴۲.

[۵۱] نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴.

[۵۲] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۹، ح ۲۰۶.

[۵۳] رجوع شود به کتاب شمیم رحمت.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در

نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی

اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹